اخبار

«پرزیدنت؛ آکتور سینما» در تلویزیون

مستند «پرزیدنت؛ آکتور سینما» که روایتگر تلاش‌های میخائیل گورباچف، آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی در جهت ایجاد رفاه برای مردم شوروی و مذاکرات او با آمریکا برای تحقق این موضوع است، امشب ساعت ۲۱ در قالب برنامه «به اضافه مستند» در شبکه مستند پخش و بررسی خواهد شد. به گزارش فارس، برنامه «به اضافه مستند» که هر هفته سه‌شنبه‌ها روی آنتن شبکه مستند می‌رود در بخش گفت‌وگوی این هفته میزبان ناصر نوبری سفیر سابق ایران در شوروی و محمدرضا برونی کارگردان این مستند خواهد بود. در خلاصه داستان این مستند که سعی دارد داستان یک پیروزی بدون جنگ را روایت کند، آمده است: «شوروی، حسرت، آشوب، تنش با دنیا. مردی می‌آید تا کشوری بزرگ را با دنیا آشتی دهد... افراطی‌ها اجازه خواهند داد؟». «به اضافه مستند» با اجرای علی صدری‌نیا سه‌شنبه هر هفته ساعت ۲۱ از شبکه مستند پخش می‌شود و بازپخش‌های آن چهارشنبه‌ها ساعت ۹:۳۰ صبح و جمعه‌ها ساعت ۱۴ خواهد بود.

■■■

چاپ دوم «باغ طوطی» منتشر شد

چاپ دوم رمان «باغ طوطی» به قلم مسلم ناصری روانه بازار کتاب شد. به گزارش فارس، «باغ طوطی» رمانی جذاب و روانی است که زندگی میثم تمار را دستمایه داستان‌سازی خود قرار داده است. میثم تمار، یکی از یاران حضرت علی(ع) است. میثم تمار فرزند یحیی و اهل سرزمین نهروان، منطقه‌ای میان عراق و ایران بود. او را ایرانی و از مردمان فارس دانسته‌اند. به او «ابو سالم» هم می‌گفتند. لقب «تمار» (خرمافروش) را هم از آن جهت به او می‌گفتند که در کوفه خرمافروش بود. مقام میثم به امیرالمومنین مانند مقام سلمان به رسول خداست چون که هر دو ایرانی بودند که از اسارت نجات داده شدند و مسلمان شدند و جزو خواص و یاران نزدیک آن دو بزرگوار بوده‌اند. رمان «باغ طوطی» به قلم مسلم ناصری در ۲ قطع رقعی با قیمت ۱۱ هزار تومان در ۲۱۶ صفحه و در قطع وزیری با قیمت ۱۸ هزار و ۵۰۰ تومان در ۱۲۲ صفحه از سوی انتشارات کتاب جمکران منتشر شده است.

■■■

رونمایی از «مبارزه در خلیج عدن ۲»

بازی «مبارزه در خلیج عدن ۲» با حضور امیر سیاری، فرمانده نیروی دریایی ارتش رونمایی شد. به گزارش مهر، آیین رونمایی از بازی «مبارزه در خلیج عدن ۲» از تولیدات سازمان عقیدتی - سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار شد. در این مراسم امیر حبیب‌الله سیاری فرمانده نیروی دریایی ارتش و جمعی از مسؤولان و فرماندهان کشوری و لشکری حضور داشتند. «مبارزه در خلیج عدن» از نخستین بازی‌های ایرانی است که به جنگاوری مدرن پرداخته و در زمان حال روی می‌دهد و در آن کاربر در نقش یکی از تکاوران نیروی دریایی ارتش ایران به ماموریت‌های مهم و حساس در آب‌های بین‌المللی اعزام می‌شود و به ایفای نقش می‌پردازد.

■■■

اکران «یتیم‌خانه ایران» در آرژانتین

فیلم سینمایی «یتیم‌خانه ایران» به همت مرکز فرهنگی ال خارتچه، ۲۶ جولای، چهارشنبه این هفته در بوئنوس‌آیرس، پایتخت آرژانتین اکران و نقد و بررسی می‌شود. به گزارش صبا، برخلاف اکران‌های پیشین، این برنامه اکران به صورت عمومی نیست و با حضور فعالان فرهنگی-رسانه‌ای آرژانتین همراه با نقد و بررسی آخرین ساخته ابوالقاسم طالبی برگزار می‌شود. پیش‌تر، این فیلم سینمایی به همراه فیلم‌های «قلاده‌های طلا»، «تنهای تنهای تنها» و تعدادی از آثار جشنواره مردمی فیلم عمار در قالب هفته فیلم سینمای مستقل ایران و با شعار «ایرانی که ندیده‌اید» در دانشگاه UNALR شهر لاریوخا و همچنین ۲ سالن سینمایی گامونت و تیپوگرافیکو پایتخت کشور آرژانتین اکران و با استقبال مردم مواجه شده بود.

■■■

فیلم جدید نولان رکورد جهانی زد

جدیدترین ساخته «کریستوفر نولان» در نخستین هفته اکران جهانی خود در صدر گیشه بین‌الملل و آمریکا قرار گرفت. به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، درام جنگ دوم جهانی «دانکرک» در نخستین هفته نمایش بین‌المللی خود در ۴۶ کشور جهان روی پرده رفت و به فروش ۱۰۶ میلیون دلاری رسید و در تمام بازارهای عمده از جمله انگلیس، فرانسه، روسیه، اسپانیا، کره‌جنوبی و استرالیا پرفروش‌ترین فیلم گیشه نام گرفت. «نولان» فیلم «دانکرک» را براساس فیلمنامه نوشته خودش و با حضور چهره‌های مطرحی از جمله «تام هاردی» و «مارک رایلنس» جلوی دوربین برده است. این فیلم درباره عملیات نجات معجزه‌آسای نیروهای انگلیسی و متفقین از بندر «دانکرک» فرانسه در سال ۱۹۴۰ است.

گفت‌وگوی «وطن‌امروز» با بانوی عراقی برگزیده در جایزه جهانی گوهرشاد

قصه «ام‌القصی»

گروه فرهنگ و هنر: نخستین جشنواره «جایزه جهانی گوهرشاد» سال گذشته با تقدیر از ۸ بانوی خیر و نیکوکار در بخش‌های داخلی و بین‌المللی به همت آستان قدس رضوی برگزار شد. این جشنواره به تأسی از سیره عملی امام رضا(ع) و بانو «گوهرشاد» از سال گذشته تلاش داشته است به معرفی و تقدیر از بانوان نیکوکار بپردازد. «ام‌القصی» بانوی عراقی است که سال گذشته جزو برگزیدگان جشنواره به عنوان زن فداکار به شمار می‌رفت اما نتوانست در این مراسم شرکت کند. حضور «ام‌القصی» در مشهد آن هم در آستانه برپایی دومین دوره جشنواره جایزه جهانی گوهرشاد، بهانه‌ای شد تا دقایقی به گفت‌وگو با این بانوی فداکار عراقی بپردازیم. به گزارش «وطن‌امروز»، نامش علیه خلف الجبوری است اما به «ام‌القصی» شهرت دارد. اهل منطقه العلم در استان صلاح‌الدین کشور عراق است، علاوه بر اینکه همسر شهید و مادر یک جانباز در راه مبارزه با گروه‌های تکفیری و داعش است، در راه حمایت از رزمندگان اسلام در جبهه‌ها نقش‌آفرینی‌های گسترده‌ای انجام داده است. «ام‌القصی» به میهمان‌نوازی، کرم و شجاعت در منطقه العلم استان صلاح‌الدین معروف است. چند وقت قبل، ۵۸ سرباز شیعی را که از دست نیروهای داعشی فرار کرده بودند با پناه دادن در منزلش، از مرگ حتمی نجات داد.

***

■ ماجرای پناه دادن شما به رزمندگان در برابر داعشی‌ها چه بود؟

نیروهای داعشی با ورود خود به محل زندگی ما، همسر، فرزند و برادرزاده‌ام را سر بریده و به شهادت رساندند، ماجرای «اسپایکر» از زمانی آغاز شد که جوانان فراری از دست داعش می‌خواستند از استان موصل به استان صلاح‌الدین بیایند تا با عبور از رودخانه دجله به خانواده‌های خود برسند. زمانی که این جوان‌ها به تکریت می‌رسیدند، با داعش که مشغول کشتن جوانان بود برخورد می‌کردند، از همین رو برای گریز از دست داعش به منطقه ما می‌آمدند. پسرهای من قایق داشتند و جوانان فراری را به ما می‌رساندند تا من در خانه پناه دهم، در آن زمان به ۵۸ جوان فراری از دست داعش پناه دادم.

■ چگونه این تعداد آدم را فراری دادید؟

آنها را در خانه‌ام پناه می‌دادم، با استفاده از شناسنامه پسرانم برایشان شناسنامه جعلی می‌ساختم و برای آنکه کسی متوجه نشود، عکس شناسنامه‌ها را نیز دستکاری می‌کردم. حتی برای رزمندگان کارت دانشجویی تهیه می‌کردم تا به این واسطه آنها را فراری دهم. با استفاده از یک اتوبوس، دخترانم را کنار پنجره‌ها می‌نشاندم و از جوانان می‌خواستم که خود را وسط اتوبوس پنهان کنند تا شناسایی نشوند؛ با پیمودن ۱۵۰ کیلومتر این افراد را به کرکوک که منطقه امنی بود انتقال دادم.

■ داعش از کمک شما به رزمندگان و فراری دادن آنها اطلاع پیدا نکرد؟

زمانی که همه جوانان را نجات دادم، داعش ماجرا را فهمید و شروع به تهدید من کرد.

■ در برابر تهدیدات داعش چه اقدامی انجام دادید؟

من و خانواده‌ام شبانه برای فرار از دست داعش ۱۴ ساعت در میان کوه‌ها حرکت کردیم تا به منطقه کرکوک برسیم و از آنجا به بغداد برویم؛ در طول این مدت داعش به دنبال من بوده است.

■ تا به حال برخوردی هم با نیروهای داعشی داشته‌اید؟

بله! یک نفرشان را خودم به هلاکت رساندم؛ با وخامت اوضاع و سیطره داعش بر منطقه‌مان مجبور به مهاجرت به شهری دیگر شدیم، زمانی که خبر آزادسازی منطقه را شنیدیم به محل زندگی خود بازگشتیم، در آن زمان متوجه حضور یکی از نیروهای داعش شدم، او را با اسلحه به هلاکت رساندم و به نشانه خوشحالی او را روی خودرو قرار دادم.

■ پس از داعشی‌ها انتقام هم گرفته‌اید...

من چند تن از اعضای خانواده خودم را در مقابله با نیروهای داعش از دست دادم، هلاکت آن نیروی تکفیری به تلافی خون همه افرادی بود که در مقابل آنها به شهادت رسیدند.

■ نظرتان درباره ایران چیست؟

در حقیقت دیدگاهی که من نسبت به ایران داشتیم بسیار متفاوت با آن چیزی بود که تصور می‌کردم، من اسلام و اخلاق حقیقی را در ایران یافتم؛ به‌راستی که دولت‌های ایران و عراق با یکدیگر فرقی ندارند و اگر کمک دولت ایران نبود ما به پیروزی در موصل دست نمی‌یافتیم، پیروزی موصل را ما باید به شما تبریک بگوییم، نه اینکه شما به ما تبریک بگویید. کشورهای ایران، عراق، سوریه و لبنان هیچ فرقی با هم ندارند، امت واحد هستند و دشمن همه آنها یکی است. پیشنهاد بنده این است که هرساله با توجه به امکانات و ظرفیت عتبات و آستان‌های مقدس، گروه‌های مردمی و جوانان را از سایر کشورها به ایران بیاورند تا اسلام حقیقی، عقیده و دیدگاه ایرانیان را متوجه شوند، بدان جهت که کشورهای غربی و اروپایی هرگز نمی‌خواهند اسلام حقیقی نمایان شود.

■ سال گذشته به عنوان بانوی خیر و نیکوکار در جشنواره «جایزه جهانی گوهرشاد» برگزیده شدید و بنا بود برای شرکت در این مراسم به مشهد سفر کنید، چرا نتوانستید در این مراسم حضور یابید؟

سال گذشته در شرایط بسیار سختی به سر می‌بردیم، ما آن زمان در استان صلاح‌الدین مستقر بودیم و داعش ما را به محاصره کامل خود درآورده بود و نمی‌توانستیم به بغداد سفر کنیم؛ اینکه نتوانستم در این مراسم شرکت کنم؛ خواست خودم نبود، بلکه شرایط اینگونه رقم خورد. در حال حاضر هم من را تحت حفاظت به بغداد منتقل کرده‌اند، به دلیل آنکه شهرت یافتم، نیروهای انتحاری و داعش سراغ من می‌آمدند و تهدیدم می‌کردند، از همین رو نتوانستم سال گذشته در مراسم شرکت کنم.

■ همراه چه افرادی به مشهد سفر کرده‌اید؟

پسر، دختر، پسرعمو و دامادم من را در سفر به مشهد همراه کرده‌اند، اگر چه سال گذشته نتوانستم در مراسم حضور یابم ولی اگر من را به عنوان میهمان در برپایی جشنواره «جایزه جهانی گوهرشاد» دعوت کنند، مجددا از عراق به مشهد می‌آیم.

■ چه حس و حالی داشتید وقتی از شرکت در این مراسم بازماندید؟

خیلی احساس بدی داشتم که نتوانستم در این مراسم شرکت کنم، این جایزه و انتخاب در ابتدا از طرف خدا بوده است. خداوند متعال هر فردی را که دوست داشته باشد بزرگ می‌کند؛ ناراحتی من بیش از هر چیز به خاطر آن بود که نتوانستم به زیارت حضرت رضا(ع) بیایم.

■ نظرتان درباره برپایی جشنواره «جایزه جهانی گوهرشاد» چیست؟

اقدامی خوب و شایسته است. البته نیکوکاری و خیر بودن تنها به چند بانویی که جایزه را دریافت می‌کنند، محدود نمی‌شود، بلکه کل زنان مسلمان شجاع بوده و با همه زنان دنیا تفاوت دارند.

■ حس و حال حرم مطهر حضرت رضا(ع) و حرم امام حسین(ع) چه تفاوتی دارد؟

هیچ تفاوتی میان حرم امام رضا(ع) و امام حسین(ع) وجود ندارند، زمانی که وارد حرم می‌شوی احساس غربت نمی‌کنی، حتی زائران به بنده این نگاه را ندارند که تو از کجا آمده و چرا آمده‌ای؟ چرا که هرکس مشغول کار و زیارت خودش است؛ وقتی از هتل به سمت حرم آمدم، احساس کردم همه ناراحتی و غم سینه‌ام از بین رفته و آرزوی چندین ساله‌ام محقق شده است.

نگاه

سیمیندخت، معلمی با درس‌های ابدی

بهروزقزلباش: «در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد/ عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد» نخستین از نخست اول، همان ازلی است که در آن نخستین جلوه حق آشکار شدن را آغاز کرد. پرتو، ناشی از عرض وجود است. اگر ذات تجلی کند یعنی خودنمایی کند آنگاه رخ آشکار کرده است. در تجلی ازلی او پرتوی از صفات وجود او عیان شده است. این پرتو همان عالم ملک است که خود نمی‌تواند چیزی جز یکی از مظاهر تنزیه ذات باشد و نیست. مظهر تنزیه بودن به این معناست که عالم ملک خود او نیست. نه‌تنها خود او نیست بلکه عین صفت او هم نیست. تنها می‌توانست پرتوی از صفات علوی الهی باشد که از منظر حضرت حافظ، حسن، آن صفت علوی است که متجلی شده است. تجلیات عالم ملک در هر ساحت و صحیفه حق که باشد، نمی‌تواند مظهر تشبیه باشد. زیرا نسبت مشبه، به مشبه‌به، نسبت ذات و عین است و عالم ملک این نسبت را با او ندارد. در عالم ملک از انس و جن،و حیوان و نبات و جماد و غیره، هیچ نیست که مشبه‌به او باشد و این امری سلبی است. حسن؛ صفت مطلق و مطلق صفات اکبر اوست. تجلی حسن همین عالم ملک از منظر تنزیهی حضرت باری است. حسن که تجلی کرد، دیگر صفات معشوقی او در عَرَض حسن او ظاهر شد و همین مظهر بین او و عاشق سالک، فاصله انداخت. این یعنی همان فراق. کشش بود ولی فراق هم بود شد. عشق حاصل این کشش و فراقی است که در عالم ملک بین اجزای عالم (یسبح لله ما فی السماوات و ما فی الارض) و او فراهم است. الیه راجعون هم دلیل سلوک عالم ملک به‌سوی حسن الهی است که اصل است برای آن. (هر کسی کو دور ماند از اصل خویش/ بازجوید روزگار وصل خویش) هم به همین موضوع دلالت و اشارت دارد. عشق، تمایل بی‌حد اجزای عالم ملک است برای یگانه شدن با اصل خویش. این همان آتشی است که می‌سوزاند و خاکستر می‌کند. آتش به همه عالم زدن، یعنی آتش به همه اجزای عالم زدن. نوعی آگاهی از سیر به الی‌الله و نوعی دانش به صیرورت ظاهر و باطن به سوی او. چون باطن عالم ملک از جنس عالم ملک است نه از اجناس و انواع دیگر، وقتی آتش گرفت و آگاهی و دانش عقل را سوزاند و کشش را در همه اجزای عالم ملک به جنبش درآورد آنگاه از آن به عشق تعبیر می‌شود اما وقتی وصل دوباره ممکن نیست و حاصل نمی‌شود، حزن بروز می‌کند. رخ به رخ یار شدن آدمی نوعی اغراق در تحسین صورت صفی‌اللهی اوست، اگرنه او یگانه است و صورت آدمی متکثر و درشت و کوچک و زن و مرد و... است. به تعبیر سهراب اینگونه است: «وصل ممکن نیست، همیشه فاصله‌ای هست». و

حضرت حافظ که فرمود: «جلوه‌ای کرد رخت دید ملک عشق نداشت / عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد». سیمیندخت وحیدی فرزند راستین ادب گرانسنگ پارسی است. او دانش‌آموخته این مکتب فربه و سرشار از معانی بلند و سر به ثریا کشیده جهان ادب است. از همین رو اشاراتی دارد به آموخته خویش از همین مکتب: «فکری به حال غربت خود کن که رستخیز / می‌آید و به توبه فردا نمی‌رسی». غربت و غرب در نگاه این شاعر یعنی فاصله تجلی پرتو حسن تا خود حسن. وقتی که رستاخیز برسد؛ دیگر مجال بازگشت به حسن او نیست. این برخاستن بدون برخواستن چه فایده‌ای جز تداوم غربت خواهد داشت؟ این پرسش در عین حالی که انسان را به گناه متهم می‌کند و خواستار توبه اوست اما به او یادآوری می‌کند که تجلی پرتو حسن الهی، نتیجه قصور جمال صفی‌اللهی نیست. اکنون و در مقام حاضر ارجعی الی ربک را باید پاسخ داد، نه پس از رستاخیز. از این منظر او با قابیل جان انسان سخن می‌گوید نه هابیل قتیل، و هنگامی که شعر را در خدمت پیام اجتماعی می‌گیرد خویش را در موضوع دفاع قرار می‌دهد و می‌گوید: «مخواه از من و چشمم به غیر شیوه بیداری / که هر کجای وطن ما را حریم قدسی سنگر هست». شگفت اینکه پس از تحقق آرزو، یعنی پرواز دل به آسمان گویا نشانه یا خبری از وصل باشد، دوباره خواهان فراق است. می‌خواهد از آسمان به زمین بازگردد. خاصه اگر دل را عصاره حقیقت آدمی بدانیم چنین درخواستی شگفت‌انگیزتر می‌شود. ببینید: «از آن شبی که دلم پر زد به آسمان و نیامد باز / در آشیان دلم چشمی در انتظار کبوتر هست» اما مرتبه حزن، وقتی بروز می‌کند که نه‌تنها وصلی در کار نیست که دشمن بر استخوانش سنگ می‌کوبد. مقاومت بی‌فایده است، هرچند لب‌هایش هنوز آواز باشد از این سبق و سیاق که: «آوای من بر لب شکوفا می‌شود حتی / روزی که دشمن می‌زند بر استخوانم سنگ». هرچند شعر سیمیندخت وحیدی شعری است با کارکردهای عرفان اجتماعی اما کمتر به اوج می‌رسد و حداکثر مبلغ اخلاق باقی می‌ماند؛ معلمی با درس‌های ازلی و ضروری. حُسن، عشق، حُزن و اخلاق درونمایه اغلب شعرهای اوست. او این مایه‌های ادبی کهن را در خدمت پیام‌های میهنی و اجتماعی قرار داده و در این کار موفق بوده است. ای کاش ارجاعات معرفتی شعرش به نحوی مهندسی می‌شد که فراتر از صرف روزنامه‌ها شدن چیزی به ذخیره معرفتی ادب پارسی می‌افزود. به هر روی سیمیندخت وحیدی داشته‌های ذوقی و سرمایه‌های عاطفی‌اش را در طبق اخلاص گذاشته و به انقلاب و دفاع‌مقدس پیشکش کرده است و این ارزش کمی نیست.

ادبیات

برگزاری آیین تجلیل از ملاصالح قاری

فریبی که عراقی‌ها از «ملاصالح» خوردند

نودوچهارمین «عصرانه ادبی» فارس ویژه تجلیل از «ملاصالح قاری» و رضیه غبیشی نویسنده کتاب «ملاصالح» با حضور جمع کثیری از اهالی فرهنگ دفاع‌مقدس برگزار شد. مرتضی سرهنگی در این مراسم با اشاره به گونه‌ای از ادبیات جنگ تحت عنوان ادبیات بازداشتگاهی یا اسارت گفت: این گونه ادبی یک ادبیات شناخته‌شده در دنیاست. انسانی‌ترین گونه ادبیات جنگ ادبیات بازداشتگاهی است و کتاب ملاصالح از این جنس است. وی افزود: ما چه بخواهیم چه نخواهیم حین خواندن این کتاب‌ها خودمان را متر می‌کنیم. اردوگاه اسیران جنگی از جاهایی است که اسیر نخستین چیزی که آنجا می‌آموزد، فن زنده بودن است و این چیزی است که آقای ابوترابی سال‌ها به بچه‌ها یاد داد. برخی آزاده‌ها می‌گویند اگر ابوترابی نبود خیلی از بچه‌ها زنده نمی‌ماندند. در چنین جایی ملاصالح خود را فدای زنده ماندن بچه‌ها می‌کرد. این نویسنده عرصه دفاع‌مقدس گفت: من معتقدم ملاصالح، ابوترابی آن ۲۳ نفر است. تمام خبرهای آن روزگار و آن ۲۳ نفر در روزنامه‌های خارجی و عراقی بود و ما می‌دیدیم.

این نویسنده دفاع‌مقدس گفت: قیمت تمام‌شده جنگ با خواندن این کتاب‌ها برای ما روشن می‌شود. تا زمانی که با دستور زبان تبلیغ حرف بزنیم، این قیمت را درک نمی‌کنیم. دستور زبان تبلیغی برای عصر جنگ است اما دستور زبان تعقلی برای عصر بعد از جنگ است. ولی نظام تبلیغی ما در ارتباط با جنگ هنوز در دستور زبان عصر جنگ به سر می‌برد و اینگونه است که پس از گذشت ۳۰ سال از پایان جنگ باید ملاصالح را بشناسیم یا وقتی گفته می‌شود ما از ۱۵ کشور اینجا اسیر داشته‌ایم، کسی باور نمی‌کند. در حالی که من آنها را دیده‌ام. وی افزود: چهره ارتش ما در نگهداری از اسرا، درخشان است و باید روی آن کار کرد. ما اسارت را در کشور برای اسرا سخت نکردیم که این مساله مهمی است. از مصر، سودان، یمن، اردن و کشورهای دیگر ما در اینجا اسیر داشتیم. قیمت تمام شده جنگ برای ما هنوز روشن نیست اما کتاب‌هایی مانند ملاصالح به ما کمک می‌کند این قیمت را دربیاوریم و اگر این قیمت دربیاید خیانت نمی‌کنیم و به مملکت خدمت می‌کنیم. رضیه غبیشی، نویسنده کتاب «ملاصالح» گفت: خدا را شاکرم که توفیق یافتم سرگذشت یکی از ستاره‌های شهرم را بنویسم، من خود از زخم‌خورده‌های روزهای دفاع هستم و بعد از اتمام جنگ نیز پرستار همسر جانباز خود بودم. وی افزود: شخصیت ملاصالح در انزوا بود و این شخصیت نورانی مخفی مانده بود، در واقع این کتاب چهارمین اثرم است و آنقدر که مردم تهران ملاصالح را می‌شناسند مردم آبادان او را نمی‌شناسند و باید اینجا گلایه‌ای از مسؤولان شهر خود داشته باشم که هیچ حمایتی از این قبیل کتاب‌ها نمی‌کنند، هرچند من منتظر حمایت آنها نمی‌مانم و دست از نوشتن بر نمی‌دارم. ملاصالح قاری در این مراسم با اشاره به آیه‌ای از قرآن کریم گفت: «خداوند از کسانی که ذره‌ای به او ایمان دارند دفاع می‌کند» و این سخن درستی است و من به تجربه دیده‌ام و می‌گویم. وقتی اسرا وارد اردوگاه شدند خواستند آنها براساس یگان نظامی به صف شوند؛ می‌گفتند ارتشی سپاهی و بسیجی هرکدام یک طرف بایستند اما باور دارم که خدا به زبان من جاری کرد تا بگویم ارتشی‌ها یک طرف بسیجی‌ها یک طرف و پاسدار هم که نداریم یک‌طرف؛ این از لطف خدا بود. ملاصالح قاری در ادامه با بیان اینکه با خود می‌گفتم اگر یک‌نفر این خاطرات را بخواند و هدایت شود و از عبرت‌های آن استفاده کند برای بنده کافی است، افزود: خاطرات این کتاب را خانم غبیشی ذره ذره طی ۲ سال که به خانه ما آمد، گردآوری کرد تا این کتاب منتشر شود.

یادداشت

نگاهی به شعر خانم «سیمیندخت وحیدی»

در آیینه شعر

حمیدرضا شکارسری: شعر انقلاب عنوانی معطوف به محتواست به عبارت دیگر شعری است که با محتوای ویژه خود هویت می‌یابد و نه با شکل‌بندی خاص خود. از سوی دیگر زیبایی‌شناسی این شعر به زیبایی‌شناسی سنتی متمایل است. تقارن و توازنی آرمانی که غالبا در قوالب سنتی چون غزل و مثنوی مهبط خود را جست‌وجو می‌کند. از این‌رو است که اکثریت قریب به اتفاق شاعران انقلاب را معمولا با غزل، مثنوی و رباعی می‌شناسیم. نام خانم «سیمیندخت وحیدی» را با غزل‌ها و مثنوی‌های‌شان به یاد می‌آوریم. اشعاری که بر طیفی از حماسه تا سوگ قرار می‌گیرند. سابقه‌ای که از سال‌های دفاع‌مقدس و لحنی حماسی تا این سال‌ها و لحنی سوگوار و نوستالژیک کشیده شده است. سابقه‌ای طولانی که بهره‌مندی از آن و تداوم در آن تنها از شاعری حرفه‌ای و تمام‌وقت برمی‌آید. ویژگی‌های اصلی شعر این بانوی شاعر را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- تمایل به قوالب سنتی و معیارهای زیبایی‌شناختی شعر سنتی
- تمایل به زبان و بیانی آرکاییک و باستان‌گرا
- تمایل به بهره‌مندی از دایره واژگان امروزی تا به شعر صبغه‌ای نوقدمایی ببخشد
- تمایل به نشانه‌ها و المان‌های دینی که ریشه در حوادث تاریخ اسلام دارد
- تمایل به بیانگری و فاصله‌گیری از شکل‌گرایی که نتیجه آن شعری محتواگراست (محتواها غالبا سیاسی و دینی‌اند)

مجموعه این تمایلات، سروده‌های خانم «وحیدی» را در یک رده‌بندی کلی، در گروه اشعار نوقدمایی محتواگرا با بیان استعاری نزدیک به بیان سبک عراقی قرار می‌دهد. به چنین شعری یا مضامین تازه و بدیع جانی دوباره می‌بخشند یا قوافی و ردیف‌های نو و نامنتظره که این شاعر به مضمون‌سازی تمایل بیشتری نشان می‌دهد. اما خانم «سیمیندخت وحیدی» در معدود نوسرودهای خود در گزینش دایره واژگانی خیلی مدرن‌تر عمل می‌کند. از همین رو در این معدود سروده‌ها با شاعری روبه‌روییم که دغدغه حرف‌هایی عینی‌تر و امروزین‌تر را دارد.

بگذار خارها بروینده
و شاخ و برگ بگسترانند
زیراچهارشنبه‌سوری
با شتاب خواهد رسید

این مساله شاید موید این مطلب باشد که شاعر بر بوطیقای قالبی که در آن شعر می‌سراید خودآگاه یا ناخودآگاه مسلط است و مطابق با همان بوطیقا به خلق شعر می‌پردازد. از این منظر «وحیدی» به زبان و بیانی تثبیت شده رسیده است که اگرچه شخصی نیست اما به پختگی رسیده است. این پختگی اگر با کلماتی امروزی، ترکیباتی بدیع و موسیقی کناری تازه‌ای نیز همراه شود، شعری دلپذیر می‌آفریند:

غروب است و حیران گره می‌خورد شب
به گیسوی باران گره می‌خورد شب
تو با من خداحافظی کرده‌ای؟ آه
که بعد از تو با جان گره می‌خورد شب
تویی سوره نور اگر تو نباشی
به فصلی پریشان گره می‌خورد شب

ملاحظه می‌شود حتی در این فضای تغزلی، شاعر خود را از بهره‌مندی از نشانه‌های دینی محروم نمی‌کند. در این راستا می‌توان با مطالعه کلیت آثار ایشان به کاراکتر هنرمندی رسید که چارچوب فکری و اعتقادی‌اش دینی است. بنابراین هر چه می‌سراید عطر و رنگی از باورهای دینی در آن استشمام می‌شود و برق می‌زند. اینچنین است که شعری را برآمده از شعور دینی می‌خوانیم. شعوری که اثر را از معنویت و نیایش آکنده و متبلور می‌کند:

حس می‌کنم طراوت یک سیب سرخ را
بر شاخه‌ای که از گل مهر شما پر است
اینجاست ای بهار و گل و سبزه و نسیم
شهری که کوچه کوچه آن از خدا پر است
امشب فرشتگان خدا باز می‌کنند
درهای آسمان که ز نور خدا پر است

البته گاه و چه‌بسا این شعور، جای شور شاعرانه را بگیرد و متن را عریان و صریح بر کاغذ بریزد. با این حال شاعری را که در پی تعهد و التزام خویش در خارج از متن حرکت می‌کند چه باک اگر گاه به نظم هم نزدیک شود:

میهنم ای سرزمین ارزش و معیارها
خانه بیدارها، دیدارها، ایثارها
عرصه جادویی اندیشه‌های تابناک
مایه پویایی انگیزه‌ها، پندارها

از خصوصیات شاعران انقلاب حضور دائمی در صحنه‌ای سیاسی و اجتماعی است. ایشان با این حضور از مسائل زندگی مردم آگاه می‌شوند و تعهد خود را به این مردم در سرایش‌های خود بازمی‌تابانند. خانم «وحیدی» نیز در شعرهای‌شان این حضور دائمی را بروز می‌دهند. به این ترتیب می‌توان شعر این بزرگوار را آیینه جامعه انقلابی حداقل در بخشی از کشور دانست.